

من تروریست نیستم

اما یک بار در فیلمی نقش او را بازی کردم
خاطرات کمدینی از خاورمیانه

ماز جبرانی

ترجمه‌ی مرضیه زمانی فروشانی



کتاب کوله پشمی

فهرست

٩		مقدمه
١٣		مقدمه‌ی مترجم
 بخش نخست: سروکله زدن با چاک نوریس کارگردان و کلیشه‌ها		
١٥		دلاس، تگزاس
٢٥		تهران، ایران
٣٧		تیبران کالیفرنیا
٥٩		لس آنجلس، کالیفرنیا
 بخش دو: استند-آپ و بازرسی بدنی: زندگی در جاده		
٧٥		هالیوود، کالیفرنیا
٩٢		واشنگتن دی.سی.
١١٦		نیویورک
 بخش سه: الویس پارسی (یا همون: پلویس)		
١٣٧		دوبی، امارات متحده
١٥٥		بیروت، لبنان
١٦١		اردن، امان
١٨٣		خانه‌ی عزیزم
١٩٨		ختم کلام
٢٠٣		سپاسگزاری
٢٠٧		درباره‌ی نویسنده

سلام! ممنون که کتاب من رو انتخاب کردین. شاید برای این کتابم رو انتخاب کردین که قبلاً توی یکی از برنامه‌های تلویزیونی من رو دیدین و حالا با خودتون گفتین: این همونی نیست که توی برنامه‌های تد موفق تر^۱، شوالیه‌های نیکبختی^۲ و زندگی روی یک تکه چوب^۳ برنامه داشت؟ اصلاً اون برنامه‌ها چی شدن؟ متوقف شدن؟ وقتی که برنامه‌ی تلویزیونی بازیگرها متوقف می‌شه چی کار می‌کنن؟ «خُب»، این جور موقع‌ها ما کتاب می‌نویسیم. شاید هم این کتاب رو برای این انتخاب کردین چون توی عنوانش نوشته شده «تروریست» و با خودتون فکر کردین: «از اولش هم می‌دونستم این یارو یه تروریسته. ولی همیشه یه جوری رفتار می‌کرد که همه باور می‌کردن یه کمدین هستش. عجب مرد کِ بدجنسِ مزخرفی! هر چند هیچوقت هم اون قدرها بامزه نبود!» یا شاید هم با من نسبتی دارین و فکر کردین: «این دیگه چیه! - ماز کتاب نوشته؟ بذار بینم اسم من رو هم آورده؟! بهتره یه جلد بخرم و بینم چطوری است.»

در هر حال، دلیل‌تون هر چی که بوده ازتون ممنونم. من یه کمدین‌ام، برای همین هم به نوشتن چند خطی جملات و حرف‌های بامزه در طول روز عادت دارم، ولی وقتی فهمیدم که باید ۲۰۰ صفحه بنویسم رنگم پرید! برای همین هم سریع به یه راهی برای دور زدن این قضیه فکر کردم. مثلاً بیام هر خط رو با دو برابر فاصله بنویسم؟ یا مثلاً می‌تونم ۱۰۰ صفحه عکس‌های تزئینی بذارم؟ این کار برای پیش بردن کتاب عالی می‌شد.

ولی بهتون بگم، همین که شروع به نوشتن کردم، دیگه باقی حرف‌ها خودشون

1.Better off Ted

2.Knights of Prosperity

3.Life on a Stick